یادداشت

## طرح‌های آماده افتتاح سفر هیئت دولت به استان گلستان

امید زارعی‌منش*

● استان گلستان از استان‌های با پتانسیل مناسب در امر گردشگری با شرایط اقلیمی خاص است که برنامه‌ریزی به‌منظور ذخیره‌سازی و مدیریت مصارف آب در این استان بسیار حائز اهمیت است، ازاین‌رو با اولویت بهینه‌سازی مصارف آب به‌ویژه در بخش کشاورزی و تأمین آب شرب و صنعت استان، پروژه‌های بزرگی در بخش آب به بهره‌برداری رسیده یا در دست اجراست که در آینده با بهره‌برداری از آنها ضمن تأمین آب شرب و صنعت مناطق، مصرف برنامه‌ریزی‌شده بخش کشاورزی استان نیز مدنظر خواهد بود و ضمن جلوگیری از مهاجرت و تثبیت جمعیت روستاها، امیدواری و رونق کار را در نزد مردم منطقه افزایش خواهد داد. هم‌اکنون ۲۱ طرح اجرائی تأمین، انتقال، توزیع و حفاظت در استان گلستان در دست اجراست که سدهای نرماب و آقدکش مهم‌ترین سدهای اجرائی استان هستند که با پایان‌یافتن ساخت این سدها، تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی بخش اعظمی از شهرهای مینودشت، گالیکش، گنبد و شهرها و بیش از حدود ۱۳۰روستای حاشیه مرز میسر خواهد شد. همزمان با سفر هیئت دولت به استان گلستان سه طرح بزرگ آبی افتتاح می‌شود که ویژگی‌های این طرح‌ها را به اختصار بررسی می‌کنیم.

۱- مطالعه و اجرای زهکشی اراضی اولویت‌دار گلستان، کمک به بهبود شرایط خاک در راستای بهبود شرایط، افزایش بهره‌وری و جلوگیری از شورشدگی خاک، مطالعات زهکشی اراضی استان برای مشخص‌شدن بخش‌های اولویت‌دار انجام و پس از پایان مطالعات محدوده‌ای به وسعت حدود ۲۸۰ هزار هکتار به‌عنوان محدوده اجرائی طرح مشخص شد که عملیات اجرائی فاز اول در سطح ۱۰هزار هکتار خاتمه یافته و آماده بهره‌برداری است. اهم اقدامات انجام‌شده در این بخش شامل اجرای زهکش اصلی به طول ۳۶ کیلومتر، ۵۲ دستگاه سازه تقاطعی درجه یک و دو، زهکش درجه دو به طول ۲۴ کیلومتر، جاده سرویس به طول ۲۵ کیلومتر، دیوار سنگی به طول ۱.۵ کیلومتر و رسوب‌گیر به مساحت ۲۰ هکتار است و ۴۲۰ میلیارد ریال هزینه شده است. عملیات اجرائی فاز دوم در سطح شش هزار هکتار نیز با برآورد ۱۹۰ میلیارد ریال در حال آغاز است. این بخش شامل اجرای زهکش اصلی به طول ۳۴ کیلومتر، ۵۱ دستگاه سازه تقاطعی و لایروبی و ساماندهی رودخانه گرگان‌رود به طول هفت کیلومتر است. از مهم‌ترین اهداف این طرح کنترل سیلاب دشت و جلوگیری از واردشدن خسارت ناشی از سیل به تأسیسات و زیرساخت‌های صنعتی شهری و روستایی، ممانعت از آب‌گرفتگی اراضی، جلوگیری از توسعه ریزگردها و بیابان‌زایی، افزایش عملکرد زراعی (آبی و دیم)، جلوگیری از توسعه شوره‌زارها، اصلاح سیستم زهکش‌های سطحی و زیرزمینی، افزایش سطح زیر کشت بر پایه استفاده از منابع آب شور با هدف بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... است و پیش‌بینی می‌شود با اجرای تدریجی و کامل طرح، تحولی اساسی در منطقه ایجاد شود.

**۲- سد لاستیکی گنبد**

سد لاستیکی گنبد با هدف ذخیره‌سازی و تنظیم آب اراضی حاشیه رودخانه گرگان‌رود به میزان ۲.۵ میلیون مترمکعب، بهبود آبگیری ایستگاه‌های پمپاژ و شبکه‌های آبیاری و زهکشی احداثی در حاشیه رودخانه گرگان‌رود به‌میزان حدود سه هزار هکتار، افزایش سطح تراز آب و تسهیل در انتقال آب به مزارع به روش پمپاژ، جلوگیری از کف‌کنی رودخانه و اهداف جانبی دیگر مانند جذب توریست و گردشگری، بهبود شرایط زیست‌محیطی، پرورش ماهی و... روی رودخانه گرگان‌رود اجرا شده و آماده بهره‌برداری است. طول لاستیک در تاج سد ۵۲ متر و به ارتفاع ۳.۵ متر است، عمق کاتاف هشت متر و حجم ذخیره ۲.۵ میلیون مترمکعب است. سد مذکور با حجم سرمایه‌گذاری به میزان حدود ۹۲میلیارد ریال اجرا شده است.

**۳- شبکه آبیاری و زهکشی قره‌سو زرینگل**

این طرح در شمال شهرستان علی‌آباد کتول و ۴۰کیلومتری شرق گرگان در مسیر مشهد - گرگان واقع بوده و هدف اصلی آن جمع‌آوری و تنظیم مازاد جریان‌های رودخانه‌های زرینگل و کبود وال به‌منظور بهبود و توسعه آبیاری و کشاورزی در دشت قره‌سو و زرینگل است. به این منظور سد مخزنی خارج از بستر کبود وال روی رودخانه کبود وال در دو کیلومتری جنوب علی‌آباد گرگان با حجم قابل تنظیم آب به میزان ۵۰ میلیون متر مکعب و با اهداف ۱- تأمین آب کشاورزی ۲- تأمین آب صنعت ۳- محیط زیست ۴- کمک به رشد ساختارهای توسعه و گردشگری منطقه احداث شد. هدف کمی شبکه اصلی آبیاری و زهکشی قره‌سو زرینگل حدود ۹ هزار هکتار بوده که تاکنون در سطح هفت هزار هکتار شبکه اصلی با حجم سرمایه‌گذاری حدود ۵۶۵ میلیارد ریال شامل ۵۵ کیلومتر کانال‌های آبرسان و اصلی و زهکش اصلی به طول ۶۴ کیلومتر اجرا و آماده بهره‌برداری است. درحال‌حاضر به‌منظور استفاده پایدار از منابع آب و خاک و افزایش بهره‌وری آب کشاورزی پروژه استقرار سیستم مدیریت مشارکتی آب در واحد عمرانی قره‌بلاغ در حال اجراست.

*** مدیرکل دفتر فنی و مهندسی حوضه‌های آبریز دریای خزر و دریاچه ارومیه**

دلواپسانی که تکنوکرات‌ها را دوست ندارند

# چشم خصولتی‌ها به پارس جنوبی

**شرق:** سخن‌گفتن از قراردادهای جدید نفتی و مخالفان آن شاید آن‌قدر بیان شده باشد که دلایل این خصومت‌ها برای تحلیلگران و کارشناسان صنعت نفت واضح و مبرهن باشد. در این میان همچنان شاهد بازی‌های رسانه‌ای به اصطلاح دلواپس و تحریف افکار عمومی و برانگیختن عواطف عمومی در قالب توانمندی داخلی و منافع ملی هستیم؛ اما این ظاهر ماجراست و باید ریشه آن را در جای دیگری جست‌وجو کرد، اینکه چرا دلواپسان خود را به‌عنوان مدافع توانمندی‌های داخل می‌دانند و داد منافع ملی سر می‌دهند، داستانی بس دراز و دردناک برای مردمان این مرز و بوم است.

**کپی کاری کار شرکت فرانسوی از سوی خصولتی‌ها**

یکی از مواردی که دلواپسان با شعار حمایت داخل بر حضور شرکت‌های داخلی به‌منظور توسعه آن اصرار دارند، میدان گازی پارس جنوبی است؛ بزرگ‌ترین میدان گازی شناخته‌شده، جایی که ایران برای اولین‌بار در سال ۱۳۷۶ برای فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی اقدام به عقد قرارداد با شرکت توتال کرد. درواقع این قرارداد را می‌توان آغازگر توسعه پارس جنوبی دانست.

توسعه این دو فاز با هزینه دوهزارو ۱۲ میلیون دلاری از سوی شرکت فرانسوی، مبدأیی برای توسعه سایر فازهای پارس جنوبی شد، آغازی برای الگوبرداری سایر شرکت‌ها به‌منظور توسعه سایر فازها تا آنکه با آغاز دور اول تحریم‌ها، شرکت‌های ایرانی نیز قدم پیش گذاشتند و برای توسعه مهم‌ترین و بزرگ‌ترین میدان گازی دنیا قد برافراشتند؛ البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که توسعه میدان مشترک به لحاظ زمانی، از حساسیت بالایی برخوردار است، چراکه هر ثانیه غفلت و کوتاهی می‌تواند به عقب‌ماندن در برداشت از میدان منجر شده و علاوه بر مسائل عدم‌النفع، از میزان ذخایر موجود به دلیل برداشت سریع کشور رقیب کاسته شود؛ اما دریغ که شرکت‌های ایرانی ذره‌ای به اهمیت این موضوع نیندیشیدند و منافع شخصی را بر منافع ملی ترجیح دادند.

**صرف ۳ برابر هزینه توتال در پارس جنوبی**

برخی از این پروژه‌ها با دو تا سه برابر هزینه‌ای که توتال حاضر بود تقبل کند، انجام شد. جدا از بیت‌المالی که در این مسیر قربانی شد، عدم‌النفع ایران از عقب‌افتادگی توسعه فازهایی که به دست پیمانکاران داخلی با الگوبرداری و کپی‌کاری از نحوه کار شرکت فرانسوی انجام می‌شد، فراتر از تصور بود. فرای میلیاردها دلار گاز ایرانی که از سکوهای قطری خارج شد و حساب‌های عربی را پر کرد، مجتمع‌های پتروشیمی که تشنه این گاز برای تولید محصولات با خوراک ارزان و در نتیجه حضور پرقدرت در بازارهای جهانی بودند نیز ناامید و سرخورده از سبقت رقبای منطقه‌ای و جهانی شدند و عطای توسعه زنجیره تولید را به لقایش بخشیدند و به تولید محصولات پایه ارزان‌قیمت بسنده کردند.

**۶سال تأخیر در تحویل پروژه‌ها**

پروژه‌ای که توتال در دوره‌ای دو تا سه ساله انجام داد، شرکت‌های ایرانی با شش سال تأخیر به پایان رساندند. در این میان نباید از یاد برد که این شرکت‌ها سرمایه‌ای برای توسعه فازها به میان نیاوردند و پروژه‌ها، به اصطلاح عام، به‌صورت امانی انجام می‌شد؛ یعنی پول توسعه را می‌گرفتند و می‌رفتند و هر وقت دلشان می‌خواست تحویل می‌دادند. این شرکت‌ها هم بی‌آنکه توانایی یا دانش کافی برای توسعه این فازها داشته باشند، منابع مالی عظیم و باورنکردنی را به هدر دادند. در آن دوران به واقع دیگر صحبتی از قرارداد نبود و شرکت‌ها هر وقت پول هنگفتی دریافت می‌کردند، درصدی ناچیز پروژه را پیش می‌بردند و تا مرحله بعد به دنبال کار خود می‌رفتند.

سال ۹۲ زمانی که دولت یازدهم بر سر کار آمد، بیژن زنگنه، وزیر نفت تکنوکرات، صحبت از قراردادهای جدید نفتی به میان آورد، قراردادهایی که به شرکت‌های صاحب دانش و سرمایه اجازه ورود و توسعه فازهای پارس جنوبی را می‌داد. ضمن آنکه توسعه فازهای پارس جنوبی به مراحل نهایی خود نزدیک می‌شد و حالا لازم بود یک شرکت صاحب فناوری برای توسعه فاز ۱۱ که یکی از حیاتی‌ترین فازهای پارس جنوبی در مرز با قطر بود، پا پیش بگذارد.

**حمله دلواپسان به قراردادهای نفتی**

ضمن آنکه فناوری لازم برای توسعه فاز ۱۱ فرای فازهای دیگر بود؛ چراکه باید شرکت توسعه‌دهنده به منظور ایجاد سکوهای تقویت فشار اقدام می‌کرد؛ زیرا افت فشار در میدان گازی پارس جنوبی منجر به کاهش تولید در آینده نزدیک می‌شود. اینجا بود که دلواپسان دوباره قدم پیش گذاشتند و آگاه از اینکه میوه برجام آماده برداشت است و می‌توانند از منافع مالی که در نتیجه برجام نصیب ایران شده بود، سهم بردارند، داد منافع ملی و تولید داخلی سر دادند. بعد از سنگ‌اندازی‌های فراوانی که در مقابل تدوین قراردادهای جدید نفتی انجام شد، در نهایت توتال توانست قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی را با شرکت ملی نفت ایران به امضا برساند؛ اما این دلواپسان بودند که دوباره پشت دیوار ساخت داخل پنهان شدند و برای قراردادهای جدید مانع‌تراشی کردند.

اگر شرکت‌های داخلی را مجاب به تأمین سرمایه برای توسعه این طرح‌ها کنیم و مانند شرایط پیمانکار خارجی مجبور به توسعه میدان و پرداخت هزینه‌ها و جرایم شوند و بعد از آن قادر به برداشت اصل و سود پول خود باشند، آن‌گاه می‌توان دریافت که چه کسانی برای منافع کشور کار می‌کنند.

**تعارض تداخل منافع در ایران**

غلامحسین حسنتاش، کارشناس ارشد انرژی، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «به‌هیچ‌وجه با حضور خصولتی‌ها در این‌گونه فعالیت‌ها موافق نیستم. این‌گونه فعالیت‌ها خارج از وظایف این بخش است و آثار و تبعات منفی آن در مجموع از اقدامات مثبت آن برای کشور بیشتر است و حداقلش این است که رقابت و بهینگی را در اقتصاد مخدوش می‌کند».

او با اشاره به ضعف قوانین مربوط به تعارض تداخل منافع در ایران توضیح می‌دهد: «این قوانین در کشورهای پیشرفته جهان بسیار سخت‌گیرانه است. یکی از اشکالات حضور خصولتی‌ها در این عرصه‌ها این است که می‌تواند موجب مخدوش‌شدن وظیفه اصلی آنها بشود و تعارض‌هایی را در این زمینه به وجود آورد. اگر هم خصولتی‌ها ادعا می‌کنند شرکت‌هایی دارند که در این زمینه‌ها توانایی دارند، بهتر است آن شرکت‌ها کاملا خصوصی شوند و سهام آنها به صورت کامل در بورس عرضه شود تا این توانایی‌ها به بخش خصوصی منتقل شود و از بین نرود».

**تجربه ناموفق خصولتی‌ها در پروژه‌های نفت و گاز**

بااین‌حال حسنتاش تجربه برخی نهادها در صنعت نفت و گاز را چندان موفق نمی‌داند: «تجربه در پروژه‌های نفت و گاز نشان داده است که توانایی زیادی هم در این زمینه وجود ندارد و این شرکت‌های وابسته به برخی نهادها عمدتا رانتی عمل می‌کنند؛ یعنی کار را می‌گیرند و خرد می‌کنند و به شرکت‌های بخش خصوصی می‌دهند و البته، از یک چتر حمایتی برخوردارند که وصول مطالبات و مسائلی مثل تجدیدنظرکردن در قیمت یا به قول معروف دبه‌کردن را تسهیل می‌کند».

**عملکرد خصولتی‌ها در صنعت نفت زیر ذره‌بین**

او در قالب راه‌حلی بیان می‌کند: «اگر کارفرماها رفتار حمایتی و درستی با بخش خصوصی کارآمد داشته باشند و همین تسهیلات را برای آنها هم فراهم کنند، قطعا آنها به طور نسبی موفق‌تر خواهند بود. اگر هم شرکت‌های وابسته به برخی نهادها ادعایی خلاف این عرض بنده را دارند، خوب است مجموع عملکرد گذشته‌شان از سوی یک نهاد بی‌طرف، بررسی و یک گزارش شفاف تهیه و منتشر شود که در فازهای مختلف پارس جنوبی یا در ال‌ان‌جی خارک یا بخش‌های دیگر چه اتفاقی افتاده است».

**بخش خصوصی واقعی، شفاف است و مسئولیت‌پذیر**

نرسی قربان، دیگر کارشناس انرژی، نیز در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «اگر می‌توانستیم پروژه‌های پارس جنوبی را بدون تکنولوژی خارجی و سرمایه خارجی انجام دهیم که پیش‌تر انجام داده بودیم و نیازی به ورود شرکتی مانند توتال یا سی‌ان‌پی‌سی به ایران نبود؛ بنابراین این نیاز سبب شد که همکاری با شرکت‌های خارجی را بپذیریم. به‌ویژه درباره توتال، بهره‌برداری بهینه از مخازن مدنظر بوده و نه‌تنها هیچ شرکت داخلی و خصولتی، بلکه کمتر شرکتی در جهان، توانایی انجام آن را دارد. در چنین شرایطی یک شرکت داخلی در صورتی می‌تواند دست به این عمل بزند که با یکی از شرکت‌های توانمند در زمینه افزایش فشار گاز در مخازن، همکاری کند».

او در ادامه بر نوع هدف‌گذاری شرکت ملی نفت اشاره کرده و می‌افزاید: «اگر هدف آن باشد که بهره‌برداری بهینه از مخازن داشته باشیم؛ درحال‌حاضر به واسطه تحریم‌ها و ترک توتال، امکان‌پذیر نیست؛ اما اگر بنا باشد همان توسعه پارس جنوبی به روال گذشته را ادامه دهیم، با صرف پول و زمان بیشتر شدنی است».

قربان درباره مزیت‌های همکاری در چنین شرایطی با بخش خصوصی واقعی می‌گوید: «برون‌سپاری کار به بخش خصوصی واقعی در مقایسه با خصولتی‌ها دو حسن مهم دارد. نخست آنکه عملکرد این بخش، شفاف‌تر است و دوم، در مقایسه با عملکرد خود مسئولیت‌پذیرتر است و وقتی پول گرفته، می‌توان آن را بازخواست کرد که پول را دریافت کرده؛ اما کاری انجام نداده است. این روال برای بخش خصولتی امکان‌پذیر نیست».

## قطع خدمات دولتی برای صادرکنندگانی که ارز نیاوردند

ازآنجاکه مهلت تعیین‌شده برای بازگشت ارز صادراتی به اتمام رسیده، مدیران نظام بانکی از طراحی سامانه‌ای خبر می‌دهند که قطع تمام خدمات دولتی را برای صادرکنندگانی که ارز نیاورند، هدف گرفته است.

به گزارش مهر، دولت مصمم است ارز حاصل از صادرات کالاهای ایرانی از بازارهای هدف را مدیریت کند و به نحوی به ثبت برساند تا مشخص باشد که ارز حاصل از صادرات در کجا هزینه شده است. در این میان روش‌های مختلفی برای بازگشت ارز حاصل از صادرات در نظر گرفته شده که بر مبنای آن، صادرکننده علاوه‌بر اینکه می‌تواند از ارز حاصل از صادرات خود برای واردات کالا و مواد اولیه مورد نیاز خود هزینه کند، امکان این را خواهد داشت که اظهارنامه صادراتی خود را در اختیار واردکننده دیگری قرار دهد تا او بتواند در چارچوب‌های تعیین‌شده ازسوی دولت، اقدام به واردات کالاهای مجاز کند.

درعین‌حال، پرداخت اقساط وام‌های ارزی یا سپرده‌گذاری ارزی در بانک‌ها نیز ازجمله روش‌های دیگری هستند که صادرکننده می‌تواند رفع تعهد ارزی کرده و البته می‌تواند ارز حاصل از صادرات خود را به صرافی‌ها بفروشد و به‌ازای آن گواهی رفع تعهد ارزی و بازگشت ارز حاصل از صادرات دریافت کند.

اما این تمام داستان بازگشت ارز حاصل از صادرات نیست. هنوز هم با وجود تمام اقداماتی که بانک مرکزی برای تسهیل در بازگشت ارز حاصل از صادرات انجام داده - که طبقه‌بندی‌های میزان صادرات یک صادرکننده نیز جزئی از آن است- مشکلی وجود دارد که صادرکنندگان بر اساس آن، هنوز نتوانسته‌اند ارز حاصل از صادرات خود را به چرخه اقتصاد بازگردانند؛ نمونه آن هم، عدم ابلاغ دستورالعمل استفاده از ارز حاصل از صادرات در پروسه واردات کالاهای مجاز بدون درنظرگرفتن اولویت‌بندی‌های کالایی است که هنوز وزارت صنعت، معدن و تجارت برای تدوین و ابلاغ آن اقدام نکرده است.

بانک مرکزی می‌گوید صادرکنندگان باید این مشکل را هرچه سریع‌تر با وزارت صنعت، معدن و تجارت و نیز گمرک جمهوری اسلامی ایران در باب اصلاح قیمت‌های پایه صادراتی حل کرده و زمینه را برای رفع تعهد ارزی خود فراهم کنند، چراکه به‌هرحال مهلتی ازسوی دولت در قالب بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ارزی برای صادرکنندگان در بازگشت ارز حاصل از صادرات تعیین شده است و باید مطابق با آن عمل شود.

در این میان بانک مرکزی با وجود جلساتی که با صادرکنندگان برگزار کرده است، همچنان اصرار دارد که باید در مهلت مقرر، ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد برگردد و صادرکنندگان نسبت به تسریع در آن، اهتمام لازم را داشته باشند.

ادامه از صفحه ۴

## سوءاستفاده از کارتن‌خواب‌ها

آقای امامی نیز همین‌طور است و گران‌نمایی کرده است. همچنین آقای مدلل هم همین کار را کرده و ملک‌های خود را بیش از سه برابر ارزش آن معرفی کرده است و اصلا وام‌هایش را تسویه نکرده، بنابراین تمامی صحبت‌های آقای بخشایش کذب محض است.نماینده سازمان بازرسی کل کشور افزود: مدیران شرکت‌های آقای امامی صراحتا اعتراف کردند صورت‌های مالی ارائه‌شده به بانک سرمایه جعلی و صوری بوده است، همچنین درباره شرکت‌های شاملویی قرارداد سپرده‌گذاری و وثیقه مورد اطمینان رعایت نشده است.نماینده دادستان اضافه کرد: درخصوص آقای جهانبانی ۶۰۰ میلیارد تسهیلات گرفته شده است که فقط بخشی از آن را به واردات کالاهای اساسی اختصاص داده‌اند. شما بگویید آیا آقای هدایتی چوب کبریتی وارد یا صادر کرده است.

**امامی ملک ۴۰ میلیاردی را ۲۰۵ میلیارد فروخت**

قهرمانی، نماینده دیگر دادستان، درباره چگونگی تسویه پرونده‌های آقای امامی و رضوی گفت: آقای امامی دو ملک را به بانک سرمایه ارائه داده‌اند که یک ملک با مبلغ ۲۰۵ میلیارد و ملک دیگر ۹۶ میلیارد بوده است که پس از کارشناسی قیمت ملکی که ۲۰۵ میلیارد بوده ۴۰ میلیارد و ملکی که ۹۶ میلیارد بوده حدود ۲۰ میلیارد تعیین شد.قهرمانی افزود: هادی رضوی ۱۲۳ میلیارد بدهی داشته که ملکی را به قیمت ۱۲۵ میلیارد با بانک تهاتر می‌کند که در اینجا ابهامات زیادی وجود دارد، همچنین درباره تهاتر کارخانه آقای سامان مدلل نیز ابهامات زیادی وجود دارد.قهرمانی افزود: آقای بخشایش عضو هیئت‌مدیره کارخانه آقای سامان مدلل می‌شود و برادر خانم آقای قندالی نیز مدیرعامل کارخانه می‌شود که تمامی اینها سؤال‌برانگیز است و ۵۰۰ میلیارد تومان به این شرکت داده شده است.نماینده دادستان از متهم پرسید: آقای بخشایش شما در دوبی با چه کسی جلسه داشتید؟ امیر فروزان‌راد در دوبی مستقر است، با این شخص چه جلساتی داشتید؟

قهرمانی افزود: دختر آقای بخشایش در دوبی صرافی داشته و متهم در دوبی جلساتی برگزار می‌کرده است.

بخشایش نیز توضیح داد: برای دیدن دخترم ماهی یک بار به دوبی می‌رفتم و فردایش برمی‌گشتم.